

ای دل به بوی خنجه‌ای از بوستان هند  
جان را نثار کن به ره دوستان هند

## پیوندهای مشترک ادبیات سانسکریت و فارسی‌دوی

دکتر رضا مصطفوی

دانشگاه علامه طباطبائی - تهران

می‌گویند در روزگاران قدیم دو برادر بودند جوان که از خانه پدری بیرون آمدند و هر کدام به راهی رفتند. یکی به سوی مشرق و دیگری به جهت مغرب. مدتها گذشت. دوری شان به اندازه‌ای بود که نه آنان و نه فرزندانشان دیگر نام و نشانی از دیگر برادر و فرزندانشی نداشتند. بناچار کمتر از پدر یاد می‌کردند و از آن گذشته شیرین و آغوش گرم خانوادگی نیز چیزی به یاد نداشتند و می‌رفت تا همه چیز به فراموشی سپرده شود. تنها و تنها سرودی چند از آن روزگاران گذشته به یاد مانده بود که گاهی آن را با نوای ساز می‌سرودند. سرودی که سینه به سینه از پدران به آنان رسیده بود و آنان گاه گاه آن سرود موروث را با خود زمزمه می‌کردند. پس از مدتی دست روزگار آن برادرزادگان را بهم رساند. آنان ابتدا همدیگر را نشناختند تا این که یکی از آنان آن سرود خانوادگی کهن را ترنم کرد و به یاد روزگاران خوش وصال به زمزمه آن پرداخت. عموزاده چون بشنید مطمئن شد «هر در یک جان باشد اندر دو بدن»، دلهاشان به تپش افتاد و چون مطمئن شدند که خون و رگ و ریشت آنها از یک آبشخور سیراب گردیده، همدیگر را در آغوش گرفتند و برسر و روی یکدیگر بوسه زدند و جان در قدم هم نهادند. ما همان برادرزادگانیم که اکنون به همدیگر رسیده‌ایم.

زبان مشترک گذشته ما و پیوندهای زبان سانسکریت با فارسی دری از پیوند میان آن در عموزاد، بیشتر و نیزدیکتر می‌نماید.

بحث ما در این گفتار منحصرأ به تعدادی از کتابهای اختصاصی دارد که عیناً یا با تصرفی اندک از سانسکریت به زبان فارسی وارد گردیده و البته این جدا از تاثیرات کتابهایی است که ایرانیان درباره هند نوشته‌اند. مثلاً کتابهایی مانند تحقیق ما لهند شهر عالی قدر ابوریحان بیرونی که فلسفه هندو را در ایران انتشار داد و یا سرگذشت ابو معشر بلخی خراسانی که به بنارس رفت و علم نجوم و حساب و هندسه را از برهمنان آموخت و سبب شد تا بعدها در کشورهای اسلامی و مسیحی رواج یابد، از این بحث جداست.

بزرگترین خدمت ادبیات هند به ادبیات جهان مربوط به ادبیات تمثیلی هند است. اغلب داستانهای کتابهای مقدس هندوان از زندگی حیوانات سخن می‌گوید که با چاشنی ای از عبت و پندآموزی همراه شده اما دقیقاً نمی‌دانیم که این حکایات و المانهای منقول از زبان جانوران از چه تاریخی و چگونه جنبه اخلاقی به خود گرفته است. بی‌شک مقصود از بیان این نوع داستانها رساندن انسان به مقام والای انسانی بود؛ ز بسیاری از آنها در طول تاریخ و روزگاران گذشته در اخلاقیات انسانها مؤثر واقع گردیده و در تلطف اندیشهها و الکار نسلهای پس از خود سهم بسیار آموزنده‌ای داشته است. در این گونه داستانها تنها استنباط و استنتاج انسانها نبوده که آنها را مفید و سودمند جلوه داده بلکه گهگاه خود حیوانات نیز سرگرم بحثهای شیرین اخلاقی شده‌اند و بسیاری از عیوب انسانها را به طنز باز نموده‌اند و زمانی نیز از ریاکاری‌های برهمنان و ضعف درباریان رنجیده‌اند و به انتقاد پرداخته‌اند.

درمیان متون ادب پهناور و پرمایه دری متونی وجود دارد که از ادبیات سانسکریت و هندی سرچشمه می‌گیرد و یا لافل پیوندهای مشترکی با آن دارد. در

این مقال و مجال اندک تنها به پاره‌ای از این پیوندها اشارت می‌کنیم.

یکی از نکاتی که بسیاری مورخان قدیم به آن اشارت دارند این است که اصل کتاب کللیله و دمنه موجود فارسی که سالها از کتب درسی معتبر ادب کلاسیک به شمار می‌رفته و می‌رود به دستور انوشیروان ساسانی وسیله پزشکی ایرانی به نام برزویه از هندوستان به ایران آورده شد و به زبان رایج آن زمان یعنی پهلوی ترجمه گردید و در قرن دوم هجری قمری وسیله عبدالله بن مقفع ادیب ایرانی از پهلوی به عربی برگردانیده شد. رودکی آن را به نظم درآورد و در قرن ششم وسیله ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی در زمان بهرام شاه غزنوی به فارسی دری برگردانیده شد و البته بنا به گفته نصرالله منشی: «کتاب کللیله و دمنه پانزده باب است. از آن اصل کتاب که هندوان کرده‌اند ده باب است» و بعد می‌گوید: «و آنچه از جهت پارسیان بدان الحاق افتاده است بر پنج باب است.» (۱)

برای پژوهشگران زبان و ادب فارسی هیچ شکی نیست که بخش مهمی از کللیله و دمنه موجود فارسی‌داری که از امهات متون ادب محسوب می‌گردد، اصل سانسکریت دارد و متعلق به مردم هند قدیم بوده است و در منبع اصلی آن مهابهاراتا و پنچانترا است که بعدها مطالب زیادی بر آن افزودند و بدان پایگاهی رسید که هیچ یک از داستانهای دیگر هندی بدین اندازه شهرت و اشتهار نیافت. در زیر به بعضی از دلایل این موضوع اشاره می‌کنیم:

۱- نام برهمنان هند پی در پی در کتاب آمده است.

۲- با وجود نام جانوران زیادی که در کتاب آمده از جانوران افسانه‌ای ایرانی

که تصویر آنها بر روی سنگهای قدیمی و ساختمان‌های تاریخی ایران حکاکی شده اثری نیست.

۳- از جشن‌های ایرانیان مانند نوروز و غیره که اهمیت بسیار زیادی داشته

یادی نشده و بسیار بعید می‌نماید که در کتابی که اصل ایرانی دارد یادی از این اعیاد نرود.

۴- تاثیر مذاهب هند و سنتها و آداب و رسوم هندی به کرات دیده می‌شود و داستانهای مربوط به مرتاضها و زاهدان زیاد به چشم می‌خورد مثلاً در باب هشتم کلیده به داستان زاهد مستجاب الدعوه بر می‌خوریم که غلیواژه موش بچه‌ای را برای او می‌آورد و او ابتدا می‌خواهد او را به خانه برد و سپس می‌اندیشد که شاید بود که اهل خانه از او به رنج افتند. دعا می‌کند تا پروردگار او را به دختری خوش اندام بدل کند. جالب توجه اینجاست که در پایان همین داستان پسر از ماجراهائی که پیش می‌آید، زاهد دعا می‌کند تا او موش گردد. حق تعالی اجابت می‌کند و دختر همچنانکه بود تبدیل به موش می‌گردد.

علاوه بر مطالب مربوط به مرتاضها و زاهدان پاره‌ای آداب و رسوم هندیهای قدیم نیز به نحو بارزی در کتاب آشکار است. مثلاً شیر و شکال از خوردن گوشت جانوران پرهیز می‌کنند و شیر خوردن میوه‌های جنگلی را بر آگوست جانوران ترجیح می‌دهد.

در کتاب کلیده و دمنه نام بسیاری جانوران و پرندگان هندی موجود است که ریشهٔ سانکریت دارد مانند دمنه یا دمنکا (۱) و شنزبه یا شنزوکا (۳) و طیطوی (۴) (تی تیا) و جالب این که بعضی این جانوران مانند بوزینه و راسر از جمله حیوانات بومی مناطق گرمی چون هندوستان است. (۵)

ناگفته نماند که بابهای افزوده شده بر کتاب کلیده و دمنه که وسیلهٔ ایرانیها فراهم آمده نیز از جهت احتیاطی بر مفاهیم اخلاقی و مفید، بسیار سودمند است و بنا بر این سهمی را که ایرانیان برای شناساندن کلیده و دمنه به جهان داشته‌اند هم از جهت ترجمه کردن آن به زبانهای پهلوی و عربی و هم از جهت آرایشها و افزایشهایی که در آن داده‌اند، نباید از یاد برد.

پیوندهای مشترک ادبیات سانسکریت و فارسی‌دری  
 کتاب کليلة و دمنه بعدها در ادب فارسی تأثیری بی‌سابقه و کم‌نظیر داشته تا  
 بدان پایه که به گونه‌های گوناگون مورد تقلید اهل ذوق و ادب بوده و بدون شک  
 کمتر کتابی در ادب پهناور فارسی دیده می‌شود که تا بدین حد مورد اقتباس و  
 توجه و تقلید ارباب ادب قرار گرفته باشد. کتابهایی که در زیر می‌آید و هر یک  
 به نحوی متأثر و یا مقتبس از کليلة و دمنه است، این موضوع را بخوبی تأیید  
 می‌کند:

اینها که بالغ بر چهل کتاب می‌گردد، غیر از کتبی است که سراینندگان آنها  
 کليلة و دمنه را به نظم درآورده اند و نیز غیر از ترجمه‌های گوناگون کليلة به  
 زبانهای عربی و ترکی است: (۶)

اخلاق محتشمی، اخلاق ناصری، الادب الوجیز، الأوامر العلائیه، بختیارنامه،  
 بزم و رزم، بسنان العقول، تاج المآثر، تجارب الامم (فارسی)، تحفة الوزرا،  
 ترجمه محاسن اصفهان، ترجمه صلل و نحل، ترجمه یمینی، تزجیة الاعصار،  
 التوسل الی التوسل، جهانگشای جوینی، چهار مقاله، درة الاخبار، راحة الصدور،  
 رساله مناظره گل و مل، روضة اولی الالباب، روضة العقول، سمط العلی، سندباد  
 نامه، عقد العلی، فرائد السلوک، مرزبان نامه، مرصاد العباد، المعجم فی آثار ملوک  
 المعجم، المعجم فی معاییر اشعار المعجم، معیار الصدق، مکارم اخلاق، منشآت  
 منتجب الدین جوینی، منشآت عمید الدین اسمدا بزری، نامه تنسر، نسایم الاسحار،  
 نصیحة الملوک، نفثة المصدر، وسائل الرسائل.

داستانهای بید پای ترجمه محمد بن عبدالله بخاری یکی دیگر از ترجمه‌هایی  
 است که از کليلة و دمنه عربی ابن مقفع شده است. مدتها از آن بی‌خبر بودیم تا  
 این که استاد فقید دکتر خانلری آنرا از روی نسخه‌ای در ترکیه چاپ و منتشر  
 ساخت. بیشترین ارزش کتاب از آن جهت است که چون عبارت پردازیه‌های کليلة و  
 دمنه ابوالمعالی را ندارد، به اصل کتاب ابن مقفع نزدیکتر است. و بنا بر این با

اصل سانسکریت آن نیز تشابه بیشتری دارد.

ایرانیان ادب دوست و فرهنگ پرور در طول تاریخ کهنسال خود با ادبیات هند اُنس فراوان داشته‌اند و هر وقت و هر جا اثری پُر مغز و محتوا و اخلاقی یافته‌اند به زبان خود برگردانیده‌اند که یکی دیگر از آنها که از ادب سانسکریت سرچشمه می‌گیرد، کتاب طوطی‌نامه است. عماد بن محمد مترجم کتاب در قرن هشتم و حدود سالهای ۱۵-۷۱۴ هـ به متن سانسکریت سوکسمپتانی (۷) برمی‌خورد و تصمیم می‌گیرد، بعضی داستانهای آنرا به پارسی دری برگرداند. در این کتاب نیز تنها انسان نیست که سخن می‌گوید. طوطی و شیر و مار و شکال و دیگر حیوانات و حتی نبات و جماد نیز سخن می‌گویند. انسانها گاهی به صورت انسانهای دیگر و یا به قالب حیوانات در می‌آیند تا به خواسته‌هایشان برسند و این اعتقاد به همزیانی با حیوانات و جمادات و تغییر شکل آدمی حتی به صورت پرنده، این اندیشه را قوت می‌بخشد که دیگر، موجودات دشمن آدمیان نیستند و حتی دیوان نیز خصومت نمی‌ورزند. پس دشمن او کیست؟ و لابد باید دشمن او خود او باشد و بنا بر این با توجه به این که اساطیر آریائی‌ان هند باستان با اساطیر ایران کهن وجوه مشترک دارد، می‌توان دریافت که چه مقدار زیادی از بار فلسفه کهن شرقی در این کتاب گرانقدر جمع شده است. مترجم کتاب برای زیباتر جلوه دادن داستانها به افسانه‌های باستانی هند چاشنی‌هایی نیز زده و لباس نوی بر آن پوشانیده است. این کتاب علاوه بر ارزش ادبی از دیدگاه مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی هم مفید بنظر می‌رسد و در بردارندهٔ اطلاعات ذبیمتی دربارهٔ پیشینه‌های مردم آن روزگار مانند طب، نجوم، تجارت، موسیقی، خنیاگری، و نیز آداب و رسوم مختلف همچون خواستکاری، عروسی، عزاداری، سفر و مهمانداری وغیره است. (۸)

از جمله آثار دیگر ادبیات سانسکریت که به ادب فارسی‌دری راه یافته مشنوی

پیوندهای مشترک ادبیات سانکریت و فارسی‌دری نل و دمن است. فیضی دکنی آنرا از سانکریت برگردانید و به سال ۱۰۰۳هـ به خواهش اکبر شاه در چهار هزار بیت به نظم درآورد.

«ترجمه مهابهاراتا» یعنی بزرگترین منظومه کهن موجود در جهان به زبان سانکریت در سال ۱۰۲۳هـ ق وسیله میر غیاث‌الدین علی قزوینی مشهور به نقیب خان انجام گرفت. این ترجمه که در ایران چاپ و منتشر شده در انتشار بسیاری از اطلاعات مربوط به فرهنگ هندی در ایران سهم مؤثری داشته است.

«سندبادنامه» یکی دیگر از داستانهای سرزمین هند است. مسعودی در مروج الذهب این کتاب را از آثار سندباد حکیم معاصر کوش پادشاه هند دانسته و این اندیم نیز این مطلب را تأیید و از دو تحریر سندبادنامه یاد کرده است. سندبادنامه ابتداءً به پهلوی و سپس به عربی برگردانیده شد و در قرن چهارم به فرمان نوح بن منصور سامانی وسیله ابوالقوارس قناوزی از پهلوی به پارسی ترجمه گردید. پس از قناوزی دو تهذیب از سندبادنامه انجام گرفت، یکی وسیله شمس‌الدین محمد دقائقی مروزی شاعر به نثری مصنوع و مزین و دیگری وسیله ظهیری سمرقندی کاتب که هر دو در قرن ششم می‌زیسته‌اند.

«هزار و یک شب» نیز از جمله کتابهایی است که پیش از اسلام از هندوستان به ایران برده شد. متن فارسی آن که هزار افسان نام داشت در قرن سوم هجری به عربی ترجمه گردید. در قرن چهارم به مصر برده شد و پس از آنکه داستانهای بر آن افزودند در حدود قرن دهم در مصر به صورت کتاب الف لیلة و لیلة کنونی درآمد. ترجمه فارسی الف لیلة و لیلة به سال ۱۲۵۹هـ ق وسیله عبداللطیف طروجی تبریزی انجام گرفت. اشعاری را که به کتاب زینت داده سرورش اصفهانی سروده و یا از دیوان دیگر شاعران برگزیده است. هزار و یک شب نثری روان و دلنشین دارد و هر داستان آن با داستانهای پیش و پس چنان تلفیق گردیده که خواننده را به خوبی به دنبال خود می‌کشد. این کتاب نیز در میان کتب داستانی

ادب فارسی‌دری همواره مقام والاّی داشته و از امهات متون داستانی محسوب می‌گردد.

پیوندهای مشترک میان ادبیات ایران و هند منحصر به آنچه گذشت، نیست بسیاری از متون ادب داستانی هند که با اندیشه و ذوق و سلیقه ایرانیان نزدیک بوده و مورد علاقه خاص آنان قرار می‌گرفته، در درازی روزگار به فارسی گردان شده است. مثلاً بسیاری از داستانهای پوران (PURAN) کتاب مقدس هندوان ترجمه فارسی دارد که از جمله می‌توان «باگات مالا»، «مرآت الحقائق»، «رامایانا» «انگشتری گم‌شده» را یاد کرد که بعضی در شبه‌قاره هند و پاکستان به ویرانه‌های آموختگان آن سامان به زیور چاپ آراسته گردیده و پاره‌ای هنوز در دست انبوه نسخه‌های خطی آن دیار به صورت دست‌نوشته مانده و انتظار چاپ را می‌کشند. کتاب «دریای اسرار» ترجمه «کتاسرت ساگر» است که کتابی به زبان سانسکریت درباره داستانها و افسانه‌های اخلاقی هندوان می‌باشد و برگردان فارسی آن بوسیله آقای پرفسور عابدی، استاد دانشگاه دهلی به انجام رسیده ولی مدت‌هاست چاپخانه‌ای در دهلی در انتظار چاپ بر می‌یرد. «سنگهاسن بتی‌سی» هم با همین نام و هم با مفتاح القلوب در زمان جهانگیر به فارسی ترجمه گردید و کتاب «راجا بکراماجیت» یکی دیگر از ترجمه‌های فارسی داستانهای هندی است که قصه کامروپ و کاملتا و قصه کلاکام و نیز «عشق کامروپ» و داستان «منوهر و مدهومالتی» ترجمه‌های فارسی دیگری از کتابهایی با همین عناوین ادبیات گسترده داستانی هندوستان است که کتاب اخیر ترجمه دیگری نیز به نام «مهر و ماه» دارد و بالأخره قصه بلوهر و جوزاسف از قصه‌های بودائی رایج در هند محسوب می‌گردد که به فارسی ترجمه گردیده است. (۹)

در این اواخر باز هم بعضی دیگر از داستانهای هندی به فارسی برگردان شده که به عنوان نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود. «وکریم اروشی» نمایشنامه



شاعر معروف کالیداس به زبان سانکریت بوده که پرفسور عابدی به فارسی ترجمه کرده و شورای روابط فرهنگی هند آن را به سال ۱۹۵۹ چاپ و منتشر کرده است.

«جوگ بشت» کتاب مذهبی هندوان از یک مترجم ناشناخته به زبان فارسی است که هم باهمت پرفسور عابدی و دکتر تارا چند به سال ۱۹۶۸ از سوی دانشگاه علیگره به چاپ رسیده و انتشار یافته است. داستان «پدماوت» سروده جایی از شاهکارهای ادبیات هندوهاست که شعرا و نویسندگان فارسی دان آن را به زبان فارسی برگردانیده اند و نخستین ترجمه فارسی آن را پرفسور عابدی برای چاپ آماده کرده و بنیاد فرهنگ ایران به سال ۱۳۵۰ شمسی چاپ و منتشر کرده است.

قصه «لورک و مینا» یا «عصمت نامه» یکی دیگر از داستانهای هند است که در قالب یک مثنوی عاشقانه به فارسی برگردانیده شده و به همت پرفسور عابدی و مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو به سال ۱۹۸۵ به چاپ رسیده است.

کوتاه سخن آنکه ذهن پویا و پژوهنده ایرانیان از دیرباز به دلیل همین خاصیت پژوهندگی‌اش و علاقه‌ای که به فرهنگ و ادب مردم جهان و مخصوصاً فرهنگ کهنسالی چون فرهنگ هند داشت، بسیاری از آثار گرانقدر آنانرا به زبان خود برگردانیده و بعد هم به دیگر ملل و اقوام جهان سپرده است. شکی نیست که اگر این گامهای استوار و تلاشهای مستمر ایرانیان برای ترویج علوم نبود، شهرت و آوازه‌ای که ادبیات تمثیلی هندیان در جهان بدست آورده و تأثیری که در ادبیات جهان داشته تا بدین پایه و مایه نبود.

پاورقیها:

۱- کلیله و دمنه به تصحیح مجتبی مینوی از انتشارات دانشگاه تهران، ص ۴۷۸.

- ۱- DAMANAK
  - ۲- SANJAVAK
  - ۳- TITAWI
  - ۴- رک: مقدمه کلیله و دمنه.
  - ۵- رک: مقدمه استاد مینوی بر کلیله و دمنه، فهرست کتابها نیز از همانجا نقل گردید.
  - ۶- SUKA-SAPTATI جزء نخست به معنی طوطی و جزء دوم به معنی هفتاد و بر هم به معنی هفتاد طوطی است.
  - ۷- رک: مقدمه کتاب جواهرالاسمار، طوطی نامه از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران سال ۱۳۵۲.
  - ۸- رک: داستانهای هندی در ادبیات فارسی، عنوان رساله دکتری آقای دکتر شاحمد قریشی در دانشگاه دهلی به سال ۱۹۶۶ به راهنمایی پرفسور عابدی است. اینجا نگارنده لازم می‌داند از آقایان دکتر محمد اسلم خان و دکتر شریف حسن قاسمی اعضاء محترم علمی دانشگاه دهلی که مرا از وجود این رساله که البته چاپ نشده آگاه کردند و هم نسخه دستنویس آن را در اختیارم گذاردند سپاسگزاری کند.
- فهرست مآخذ:
- بجز منابعی که نام آنها در پاورقیها بیان گردید و نیز کتابهایی که نام آنها در مقاله آمده، از کتابهای زیر نیز استفاده شده است:
- ۱- پنجانترا.
  - ۲- درباره کلیله و دمنه.
  - ۳- فرهنگ ادبیات فارسی.
  - ۴- کشف هند.
  - ۵- کلیله و دمنه عربی.
  - ۶- مهابهاراتا.